

## سبک زندگی، تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری در زنان

مهرانگیز شعاع کاظمی\*

چکیده

پژوهش پیش رو با عنوان رابطه سبک زندگی، تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری در زنان متأهل در حال تحصیل در دانشگاه های شهر تهران صورت پذیرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه پژوهش شامل ۱۲۰ دانشجوی در مقاطع گوناگون تحصیلی بود که به صورت تصادفی از پنج دانشگاه دولتی شهر تهران (دانشگاه های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و الزهراء ع.ا.ع.) انتخاب شدند. شرکت کنندگان به سؤالات پرسش نامه های پژوهش پاسخ دادند. ابزار پژوهش شامل سه پرسش نامه بود: ۱- پرسش نامه سبک زندگی اسلامی با ۱۳۸ پرسش؛ ۲- پرسش نامه تعهد زناشویی آدامز با ۴۴ پرسش؛ ۳- پرسش نامه مسئولیت پذیری با ۲۴ پرسش. داده های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های استنباطی همبستگی، رگرسیون،  $\chi^2$  و تفاوت تحلیل و بررسی شدند. براساس نتایج به دست آمده از جامعه نمونه بین سبک زندگی و تعهد زناشویی و همچنین مسئولیت پذیری و بین تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد  $p < 0/001$ . در عین حال، سبک زندگی اسلامی قدرت پیش بینی کنندگی تعهد پذیری و احساس مسئولیت و دوام و متغیر را دارد. برپایه یافته های این پژوهش، می توان با تقویت سبک زندگی اسلامی میزان تعهد و مسئولیت پذیری را افزایش و از این راه به استحکام خانواده کمک کرد. نوآوری پژوهش پیش رو در این است که برخلاف کلیشه های موجود در جامعه زنان تحصیل کرده با سبک زندگی اسلامی از تعهد و احساس مسئولیت پذیری خوبی برخوردارند و تحصیلات و اشتغال و کسب درآمد و استقلال مالی بر تعهد و مسئولیت پذیری آنان تأثیر منفی نداشته است.

**واژگان کلیدی:** سبک زندگی، تعهد زناشویی، مسئولیت پذیری، زنان متأهل و تحصیل کرده.

\* دانشیار گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء ع.ا.ع.، تهران، ایران.  
Associate Professor, Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.  
M.shkazemi@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵

## مقدمه

سبک های زندگی<sup>۱</sup> مجموعه ای از طرز تلقی ها، ارزش ها، شیوه های رفتار، حالت ها و سلیقه ها را در هر چیزی از موسیقی گرفته تا هنر و تلویزیون، مد و لباس و... دربرمی گیرد. سبک زندگی فرد اجزای رفتار شخص او نیست، بنابراین، غیرمعمول نیستند؛ ولی بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگی شان را آزادانه انتخاب کنند. این مفهوم با انتخابی شدن زندگی روزمره معنی می یابد. برخلاف جوامع سنتی، امروزه به سبب اهمیت خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی، قدرت انتخاب بیشتر است. سبک زندگی با مجموعه ای از مفاهیم (مانند عینیت و ذهنیت، فرهنگ عینی و ذهنی، جامعه و فرهنگ، اخلاق و ایدئولوژی، تولید و مصرف) پیوند مستقیم و محکمی دارد. بدون شناخت این روابط نمی توان درک درستی از سبک زندگی به دست آورد (مهدوی کنی ۱۳۸۷).

دنیای پیشرفته سبک های بسیار متنوعی پیش روی افراد قرار می دهد و او ناگزیر است از میان آنها برای هر عمل خود روشی برگزیند؛ حتی اگر مطابق با فرهنگ سنتی زندگی می کند، ناچار از انتخاب نوعی سبک زندگی برای خود است. سبک زندگی به مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارا هایی گفته می شود که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از سلیقه، تمایلات و در تعامل با شرایط محیطی خود، ابداع یا انتخاب می کنند. بنابراین، سبک زندگی از درهم تنیدن عوامل بسیاری که در شیوه های زندگی افراد با محل اقلیم و زندگی آنان بیگانه است، به وجود آمده است و روشی است که اشخاص با توجه به فرهنگ مصرفی خود و برحسب موقعیت اجتماعی شان انتخاب و از آن پیروی می کنند (فیروزبخت ۱۳۸۴).

در کتاب مصرف و سبک زندگی از فاضل، معادل این واژه طیف رفتاری ای که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه ای از زندگی، که در میان گروهی از افراد مشاهده می شود، را پوشش می دهد. اگرچه پژوهشگر اجتماعی بین آن و دیگر رفتارهای اجتماعی تمایز قائل می شود، ولی تشخیص این تمایز برای همگان مقدور نیست (فاضل ۱۳۹۱، ۸۳).

سبک زندگی عبارت است از مجموعه منظم یا الگوی همگرا از رفتارهای درونی و بیرونی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی که افراد بر مبنای پاره ای از تمایلات شخصی (سلیقه) در تعامل با شرایط محیطی انتخاب می کند (مهدوی کنی ۱۳۸۷، ۷۸).

آدلر درباره سبک زندگی بر این باور بود که همه انسان ها به نوعی احساس کوچکی می کنند که در پی رفع آن هستند. این روش منحصر به فرد برای از بین بردن احساس کوچکی را سبک

زندگی ایجاد می‌کند. در نتیجه، سبک زندگی در سه دوره از رشد افراد به کمال می‌رسد: دوران کودکی، که زمان شکل‌گیری پنج ریشه‌ی اساسی از سبک زندگی است که سلامتی و ظاهر، وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی والدین، منظومه‌های خانوادگی و نقش جنسیتی را شامل می‌شود. نوع نگرش نسبت به مسئولیت‌های زندگی است که در دوران نوجوانی پدید می‌آید. از جمله نوع نگرش نسبت به خود، نگرش به سوی مشکلات، نگاه نسبت به دیگران، نگرش به سوی جنس مخالف و نوع نگرش به زندگی را می‌توان نام برد.

مسئولیت‌های زندگی که در دوره‌ی جوانی بیشتر احساس می‌شود، که آدلر به سه تکلیف اساسی زندگی در این دوره اشاره می‌کند، که عبارت‌اند از: احساس مسئولیت<sup>۱</sup> نسبت به دیگران، شغل، عشق و مسائل جنسی (فاضل و همکاران ۱۳۹۱).

به نظر آدلر، سبک زندگی در سن کودکی بر اساس تعاملات اجتماعی که در سال‌های نخستین زندگی صورت می‌گیرد، فراگرفته می‌شود و بعد از آن، تغییر داندش دشوار است. بنابراین، سبک زندگی به وجود آمده راهنمای آینده در زندگی فرد قرار می‌گیرد که ماهیت آن به ترتیب تولد و چگونگی ارتباط با خانواده، در زمانی که کودک سعی در جبران حس حقارت خود است، بستگی دارد (فیروزبخت ۱۳۸۴، ۱۴۸).

## ۱) تعریف مفاهیم

### یک) مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

به ابعاد مختلفی از وظایف زندگی گفته می‌شود که هر کدام سهم بسزایی در آن سبک زندگی دارند. نبودن هر یک موجب ناقص بودن آن سبک زندگی است. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی شامل اجتماعی، اخلاق، خانواده، سلامت، باورها، عبادی، تفکر و علم، دفاعی امنیتی، مالی و زمان‌شناسی است.

مؤلفه اجتماعی به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته‌ای خود انجام می‌دهد. اخلاق آن صفات و رفتارهای درونی شده در فرد است که وظیفه رسمی و قانونی او شمرده نمی‌شود و با ترک یا انجام آن کسی را مؤاخذه یا تشویق نمی‌کنند. در مؤلفه خانواده به رفتارها و روابط فرد از این حیث که عضو خانواده هسته‌ای است، اشاره دارد، یعنی زن، شوهر و فرزندان. سلامت شامل اموری است که در سلامت جسمی و روانی فرد نقش دارند. مؤلفه عبادی به وظایفی اشاره دارد که رابطه بین فرد و خداوند یعنی رابطه عبد و مولا را نشان می‌دهد و اعم است

1. responsibility

از عبادات مشخص مثل نماز، روزه، تلاوت قرآن و... و رفتارهایی که به طور رسمی، عبادت نام ندارند، ولی فرد به نیت اطاعت از خداوند آن را انجام می دهد (قربانی ۱۳۹۶).

مؤلفه تفکر و علم به وظایف شناختی فرد اشاره دارد، اعم از شناخت های فرد، تلاش برای افزایش شناخت های خود و جایگاهی که فرد برای علم و تفکر قائل است. مؤلفه دفاعی امنیتی به وظایفی اشاره دارد که به صورت فردی یا اجتماعی با امنیت افراد و جامعه ارتباط دارد. مؤلفه باورها و عقاید نیز شامل مفاهیم هستی شناسی، انسان شناسی، خداشناسی و... اشاره دارد که در فرد درونی شده و در لایه های زیرین عاطفی و شناختی او حضور دارند و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، نقش تعیین کننده ای در رفتارها دارند. مؤلفه مالی به رفتارهایی از فرد اشاره دارد که مستقیم یا غیرمستقیم، به امور اقتصادی و مادی زندگی مربوط می شود. این شاخص شامل شغل، املاک، کیفیت دخل و خرج، اولویتی که فرد برای آنها در بین شاخص های دیگر قائل است و... می شود. مؤلفه زمان شناسی به وظایف فرد در رابطه با استفاده بهینه از زمان مربوط می شود. اولویت هایی که باید زمان بیشتری به آنها اختصاص داد، تنظیم زمان و کارهای ضروری به گونه ای که نه تنها به همه آنها برسیم، بلکه هر کاری در زمان خود انجام شود. شناسایی و استفاده از مناسبات های زمانی ویژه، همه از مصداق های این شاخص به شمار می روند (کاوایی ۱۳۹۱، ۲۲-۲۰).

یکی از عوامل مهم در ماندگاری و حفظ ازدواج، احساس تعهد در زوجین است. تعهد قدرتمندترین و سازگارترین پیشگوی رضایت رابطه، به ویژه برای روابط طولانی است (خالقی و یزدخواستی ۱۳۹۲). هارمون (۲۰۰۵)<sup>۱</sup> معتقد است تعهد زناشویی<sup>۲</sup> به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل اند و چقدر برای حفظ و ادامه ازدواجشان انگیزه دارند. معنای تعهد این است که فرد همسرش را دوست می دارد، به او وفادار است و از همسر دیگری، به هر شکل و شمایل که باشد، دوری می کند. لامبرت<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) با ارائه مدل دیگری از تعهد زناشویی، آن را به دو نوع تعهد نسبت به ازدواج و تعهد نسبت به همسر تقسیم کرد. تعهد نسبت به ازدواج، تعهد به رابطه زناشویی درون نهاد مقدس است که بر اعتقادات و اصول اخلاقی مبتنی باشد. تعهد نسبت به همسر، تعهد به فرد خاص و شریک رابطه زناشویی است که این نوع تعهد بر فداکاری و از خودگذشتگی شخصی مبتنی است.<sup>۴</sup> موسکو<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) بیان داشت که برای تداوم زندگی زناشویی دو نوع تعهد لازم است: تعهد ذاتی و تعهد ابزاری. تعهد ذاتی یا شخصی

1. Le & Agnew

2. commitment spousal

3. lambert

4. Swensen & Trahaug

5. mosko

به عوامل درونی تداوم بخش در رابطه زناشویی گفته می‌شود، درحالی‌که تعهد ابزاری به عوامل بیرونی، که باعث ادامه ازدواج می‌شوند، اشاره دارد.

جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) مدل جامعی را ارائه داد که در آن، تعهد زناشویی به صورت سه نوع مستقل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری مطرح شده است. تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است. تعهد اخلاقی بیانگر وفاداری اخلاقی فرد به تداوم رابطه است و تعهد ساختاری نیز به موانع و محدودیت‌های موجود در ترک رابطه و احساس اجبار به ادامه آن اشاره دارد (رک. آزاد ارمکی ۱۳۸۹). استنلی و مارکمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در تلاشی برای توسعه مدلی معتبر از تعهد زناشویی، آن را شامل دو مؤلفه دانستند: از خودگذشتگی و فداکاری برای همسر و ناتوانی در ترک رابطه زناشویی (عسکری ۱۳۹۰).

## دو) مسئولیت‌پذیری

اصطلاح مسئولیت‌پذیری از نظر لغوی به معنای موظف بودن به انجام امری است (معین، ۱۳۴۵ به نقل از فضل‌اللهی ۱۳۹۷). مسئولیت‌پذیری الزام و تعهد درونی از سوی فرد است برای انجام بهینه فعالیت‌هایی که برعهده او گذاشته شده است و از درون او سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، مسئولیت‌تعهدی است که انسان در قبال امری می‌پذیرد و پیامد آن به عهده کسی است که کار به او واگذار شده است. گلاسرمعتقد است که مشکل انسان‌ها و ناهنجاری‌های آن از مسئولیت‌پذیرفتن آنهاست زیرا آنها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس وضعیت درست انسان دوستانه ارضا کنند (همان).

## ۲) دیدگاه‌های نظری پژوهش

### یک) نظریه مبادله<sup>۳</sup>

نظریه مبادله که نخستین بار جرج هومانزان را در علوم اجتماعی به کار برد، روابط اجتماعی به ویژه روابط نزدیک را همانند مبادلات تجاری برحسب مفاهیم سود و زیان و هزینه‌ها و پاداش‌ها و مانند آن، تبیین می‌کند. براساس این تئوری، روابط بر پایه تبادل تحسین شکل می‌گیرند و روابط رضایت‌بخش و طولانی‌تر آنهایی هستند که با مشکل کمتر و تحسین بیشتر همراه‌اند (رک. سعادت ۱۳۸۳).

اما چرا روابط زناشویی مشکل‌دار همیشه از هم نمی‌پاشند، بلکه ممکن است ادامه هم داشته باشند؟ احتمال دارد همسری به دلیل آنکه پاداش‌های دریافتی او بسیار کمتر از هزینه‌هایش

1. Johnson

2. Stanely & Markman

3. Exchange Theory

است، احساس خشنودی کمتری داشته باشد؛ ولی به دلیل آنکه ارزش روابط جایگزین نیز در نظرش پایین است (برای نمونه، فرصت مناسبی برای ازدواج ندارد) یا چون در روابط جاری اش سرمایه‌گذاری زیادی کرده است (برای نمونه، چندین فرزند را پرورش داده است)، به رابطه زناشویی ادامه دهد (نجفی و همکاران ۱۳۸۵). هومانز پیشنهاد می‌کند که پیش از شروع رابطه، باید فایده‌های ایجاد آن در گذشته، حال و آینده و نیز مشکلات آن را بسنجیم؛ اگر آن را سودمند دیدیم رابطه را آغاز کنیم. به عبارت دیگر، اگر ارزیابی اولیه نشان داد که رابطه سودی در پی نخواهد داشت، رابطه‌ای شکل نخواهد گرفت. این اصل درباره هر دو طرف صادق است. پس رابطه باید برای هر دو طرف سود داشته باشد تا شکل بگیرد و تداوم یابد (روحانی و معنوی ۱۳۸۷).

### دو نظریه انصاف<sup>۱</sup>

نظریه انصاف به وسیله والسترو همکاران<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۷ مطرح شد. این نظریه گونه ویژه‌ای از چگونگی عملکرد مبادله اجتماعی در روابط شخصی است و از تئوری مبادله اجتماعی هومانز (۱۹۶۱) گرفته شده است. تئوری انصاف بیان می‌کند که اشخاص روابطی را عادلانه می‌دانند که آنچه از آن به دست می‌آورند، بازتاب چیزی باشد که به خاطر آن از دست می‌دهند. انصاف مانند برابری نیست. اگر شریکی برای رابطه اش بیشتر تلاش کند، نتیجه بهتری از آن خواهد گرفت. اگر این طور نباشد، احساس استثمار می‌کند و نتیجه‌ای غیرعادلانه از آن خواهد گرفت. بنابراین، تئوری انصاف حدس می‌زند رابطه‌ای که در آن یکی از طرف‌ها سود زیادی می‌برد یا زیان زیادی می‌کند، خوشحال‌کننده نخواهد بود. کسانی که ضرر زیادی برده‌اند احساس گناه و ناراحتی می‌کنند (صاحبی و زالی‌زاده ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد که انصاف در مراحل نخستین زندگی زناشویی خیلی مهم باشد. به ظاهر مردان و زنان واکنش‌های مختلفی در پاسخ به غیرعادلانه بودن نشان می‌دهند. زنان بیشتر از سود نبردن از رابطه نگران هستند و مردان از ضرر کردن ناراحت‌اند. این مسئله با بیان اینکه در کل، مردان مراقب پاداش‌ها هستند، ولی زنان نگران انصاف درباره دیگران‌اند به ویژه، کسانی که تحت نظر آنها هستند (تدا<sup>۳</sup> ۲۰۱۶).

### ۳ پیشینه پژوهش

در این بخش، کوشش بر این است که پیشینه‌های داخلی و خارجی، که براساس

1. Equity Theory  
2. Walster & Et Al  
3. theda

کلیدواژه‌های تعهد زناشویی، مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی جست‌وجو شده است، آورده شود. عسگری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار» بیان کرده‌اند که رضایت از زندگی زنان شاغل از زنان خانه‌دار و رضایت جنسی زنان خانه‌دار از زنان شاغل بیشتر است؛ درحالی‌که، دو گروه از نظر تعهد زناشویی با یکدیگر تفاوتی ندارند (همان).

سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی» آورده است که مسئولیت‌پذیری در پیشرفت فرد و جامعه و نیز هدایت و سازندگی حیات سعادت‌مندان آدمی، نقش مهمی ایفا می‌کند. هدف این مقاله تحلیل ابعاد مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. نتایج بررسی بیانگر آن است که هندسه معرفتی مسئولیت‌پذیری در چهار بعد اعتقادی، فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی تبیین‌پذیر است و عملیاتی ساختن هر یک از مسئولیت‌ها، به نحوی در ساختار زندگی به سبک اسلامی مؤثرند و حیات طیبه را برای آدمی در مراتب گسترده آن پدید می‌آورند. کریمیان، کریمی و بهمنی (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل» انجام داده‌اند که تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای احساس گناه و اضطراب ممکن است پیش‌بینی‌کننده میزان تعهد زناشویی در افراد متأهل باشند. همچنین میزان تعهد زناشویی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری نشان نداد. در پایان، پژوهشگران دریافته‌اند که هرچه فرد از سلامت روانی بیشتری برخوردار باشد انتظار می‌رود تعهد زناشویی و وفای به عهد نیز در او بیشتر باشد. با توجه به آنکه تعهد زناشویی تابع جنسیت نیست، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های کلی برای بهبود سلامت روانی همه جامعه در رده‌های سنی گوناگون تدارک دیده شود (ر.ک. قربانی ۱۳۹۶).

کایزر<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) نیز در پژوهشی، تعهد زناشویی را به دو نوع تعهد نسبت به همسر و تعهد نهادی تقسیم کرد. مطابق با این مدل، تعهد نسبت به همسر باعث می‌شود که فرد در ازدواجش، سطح بالایی از عشق و رضایت را حفظ کند، درحالی‌که، تعهد نهادی بیانگر این است که فرد با وجود بی‌علاقگی به همسر، وانمود می‌کند که همسرش را دوست دارد و فقط به دلایل دیگری، به ازدواجش متعهد است (مارچ<sup>۲</sup> ۲۰۱۱).

عبدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های تهران» دریافته‌اند که تعهد زناشویی، قوی‌ترین

1. Kayser

2. marc.

و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است. در تعهد زناشویی عواملی گوناگونی تأثیرگذارند که از میان آنها می توان به مسئولیت پذیری و خودکنترلی اشاره کرد. شاه سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا» انجام داده اند که براساس نتایج آن، بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه معنی داری وجود دارد ( $r=0/475$  و  $P \leq 0/00$ ) نیز بین طول مدت ازدواج با تعهد زناشویی ( $P=0/021$ ) و رضایت جنسی ( $P=0/013$ ) رابطه وجود دارد و هرچه طول مدت ازدواج کمتر باشد تعهد و رضایت جنسی بیشتر است. بین رضایت جنسی و تحصیلات نیز رابطه معنی داری وجود دارد ( $P=0/042$ ) به این معنی که هرچه میزان تحصیلات بالاتر باشد رضایت جنسی در زوجین بیشتر خواهد بود و نتیجه اینکه ارتقای رضایت جنسی در افزایش تعهد زناشویی نقش مؤثری دارد (ر.ک. فضل الهی ۱۳۹۷).

فتحی، اعتمادی، حاتمی و گرجی (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «رابطه بین سبک های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی» انجام داده اند. براساس نتایج این پژوهش، بین سبک دلبستگی ایمن با تعهد شخصی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با تعهد شخصی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین دلبستگی ایمن و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار و بین دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی و معنادار دیده می شود. سرانجام، بین تعهد شخصی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (ر.ک. فضل الهی ۱۳۹۷).

محمدی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «پیش بینی تعهد زناشویی براساس طرحواره های ناسازگار اولیه، رضایت زناشویی و نگرش های مذهبی در زوجین ساکن شهر تهران»، آورده است که بین تعهد زناشویی و طرحواره های ناسازگار اولیه در سطح  $\alpha=0/01$  رابطه معنی داری وجود دارد. ازسویی، بین تعهد زناشویی و رضایت زناشویی ( $\alpha=0/01$ ) رابطه معنی دار مثبت دیده می شود و رضایت زناشویی در تبیین تعهد زناشویی بیشترین نقش را دارد (شعاع کاظمی و همکاران ۲۰۱۸).

در پژوهشی که شری و میشر<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) با عنوان «نگرش نسبت به طلاق، تعهد و احتمال طلاق در ازدواج اول و ازدواج های مجدد» انجام داده اند، نتایج بررسی ۱۹۳۱ نمونه نشان داد که بزرگسالان با ازدواج مجدد، چه با خودشان فرزندی به ازدواج دوباره آورده باشند و چه بدون فرزند باشند، میزان برابری از کیفیت ازدواج (مانند شادی و تعارض) را در مقایسه با آنهایی که ازدواج اولشان است گزارش کرده اند. آنها همچنین نگرش مثبت تری نسبت به طلاق داشتند که با میزان بیشتر مستعد طلاق بودن، هم بسته بود. انواع ازدواج در تعامل با کیفیت ازدواج، میزان احتمال طلاق را پیش بینی پذیر می کند.



میرگلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر طلاق والدین بر تعهد و اعتماد به نفس زوجین» دریافته‌اند که فرزندان طلاق در ورود به ازدواج، تعهد و اعتماد به نفس به نسبت پایینی دارند و خطر بالقوه طلاق در زندگی زناشویی آینده آنها بیشتر است.

لامبرت<sup>۲</sup> و دولاهیت<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود، که برای بررسی تعهد زناشویی زوجین مذهبی انجام داده بودند، اعلام داشتند که زوج‌ها گزارش کرده‌اند که باورها و اعمال مذهبی به آنها کمک کرده است تا خدا را شریک ازدواج خود در نظر بگیرند و به ازدواج همچون نهادی مذهبی و بادوام باور داشته باشند و این امر در تعهد نسبت به ازدواج معنا پیدا کند.

عبدی، و همکاران (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های تهران» انجام داده‌اند که نشان می‌دهد در مردان و زنان هرچه مسئولیت‌پذیری بالاتر باشد تعهد زناشویی نیز بیشتر است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد توجه به این متغیر در تربیت فرزندان و نیز مشاوره‌های پیش از ازدواج و زوج‌درمانی‌ها از اهمیت کاربردی ویژه‌ای برخوردار باشد.

#### ۴) پرسش پژوهش

باتوجه به ادبیات و پیشینه‌های موجود پرسش اصلی پژوهش این است که آیا بین سبک زندگی اسلامی و تعهد زناشویی و مسئولیت‌پذیری زنان رابطه معناداری وجود دارد؟ اهمیت و ضرورت پژوهش از آنجاست که در چند سال گذشته، آمار ناسازگاری در جامعه روبه افزایش بوده است. متأسفانه به نظر می‌رسد که نمونه‌های این پژوهش، که اغلب اشخاص تحصیل کرده بوده‌اند، در احساس مسئولیت و تعهدپذیری دچار مشکل بوده‌اند؛ بنابراین، لازم است هرچند به شکل پژوهش‌های توصیفی با تعداد نمونه درخور توجه بررسی شوند. شاید بتوان به این وسیله در محیط‌های آموزشی، خلأ را یافت و آن را پر کرد.

#### ۵) فرضیات پژوهش

- بین سبک زندگی تعهد زناشویی زنان ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- سبک زندگی قدرت پیش‌بینی تعهدپذیری و مسئولیت‌پذیری را داراست.

1. Mergler

2. Lambert, etal.

3. Dollahite, D, C.

## ۶) روش شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری تصادفی از میان دانشجویان متأهل زن پنج دانشگاه شهر تهران انجام شد که حجم نمونه ۱۲۰ نفر است. نمونه مطالعه در این پژوهش از میان زنان دانشجوی متأهل با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا از پنج دانشگاه (شامل دانشگاه‌های تهران، الزهراء ع.ا.س.، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و شهید بهشتی) انتخاب شدند که در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ مشغول تحصیل بودند. میانگین سنی در کل نمونه ۳۴/۳۴ با انحراف استاندارد ۷۱/۱۰ و دامنه ۴۰-۲۴ سال بود. میانگین مدت زمان ازدواج ۷-۸ سال با انحراف استاندارد ۵/۹۳ بود. که در کل نمونه، ۷۴/۵ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد، ۵/۲۵ درصد تحصیلات دکتری داشته‌اند.

## ۷) ابزارهای پژوهش

### یک) پرسش نامه تعهد زناشویی

پرسش نامه استاندارد تعهد زناشویی (DCI): این پرسش نامه شامل ۴۴ پرسش است که به وسیله آدامز و جونز طراحی شده و سه خرده‌آزمون با عنوان «تعهد به همسر»، «تعهد به ازدواج» و «احساس تعهد» دارد. این پرسش نامه برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه می‌گیرد که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. آدامز و جونز در شش پژوهش گوناگون به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسش نامه، آن را روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات، همبستگی هر پرسش با نمره کل پرسش نامه بالا و معنادار بود و به طور کلی، ابعاد این پرسش نامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود.

در پرسش نامه تعهد زناشویی آدامز و جونز، پاسخ پرسش‌ها بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت ردیف شده است، که از نمره ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. در این پرسش نامه پرسش‌های ۱۱-۱۲-۱۴-۱۶-۲۳-۲۷-۲۸-۳۰-۳۲-۳۴-۳۵-۳۶-۳۸ و ۴۴ به شیوه معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. یعنی در این پرسش‌ها گزینه کاملاً موافقم نمره ۱ و گزینه کاملاً مخالفم نمره ۵ می‌گیرد.

الف) تعهد شخصی: پرسش‌های ۱-۴-۸-۱۰-۱۱-۱۴-۱۶-۱۸-۲۱-۲۴-۲۵-۲۷-۲۸-۳۱-۳۲-۳۵-۳۶-۳۸-۴۴ و ۴۵ تعهد شخصی را می‌سنجد.

ب) تعهد اخلاقی: پرسش‌های ۳-۶-۹-۱۳-۲۰-۲۲-۲۳-۲۶-۲۹-۳۰-۳۴-۳۷ و ۴۱ تعهد اخلاقی را بررسی می‌کند.

ج) تعهد ساختاری: پرسش‌های ۲-۵-۷-۱۵-۱۷-۱۹-۳۳-۳۹-۴۰-۴۲ و ۴۳ تعهد ساختاری را بررسی می‌دهد.

نمرهٔ آزمون از جمع نمرات خرده‌مقیاس‌ها به دست می‌آید که نمرهٔ بالاتر نشان‌دهندهٔ تعهد بیشتر است (فضل‌الهی ۱۳۹۷). پایایی پرسش‌نامهٔ تعهد زناشویی در پژوهش پیش‌رو با استفاده از آلفای کرونباخ ۰٫۷۹۸ محاسبه شد.

### دو) آزمون سبک زندگی اسلامی

این آزمون به وسیلهٔ کاویانی (۱۳۹۰) ساخته شده است. دارای دو فرم بلند ۱۳۵ پرسشی و فرم کوتاه ۷۵ پرسشی است که در این پژوهش، از فرم کوتاه آن استفاده شد. کاویانی در سال ۸۸ ضریب پایایی کل این آزمون را بر روی ۳۰۰ نفر از دانشجویان و طلبه‌های حوزهٔ علمیه به روش آلفای کرونباخ (۰/۷۸) و روایی همزمان آن با آزمون جهت‌گیری رانیزاز طریق ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۴) به دست آورد.

پایایی این پرسش‌نامه در سال ۹۲، به وسیلهٔ طغیانی و همکارانش بر روی ۳۰۰ دانشجو (۰/۷۸) گزارش شده است (طغیانی و همکارانش ۱۳۹۲، ۳۹). سلم‌آبادی و همکارانش در سال ۹۴، بر روی ۱۰۰ دانشجو، پایایی آن را (به روش آلفای کرونباخ)، ۰/۸۱ گزارش دادند (سلم‌آبادی و همکارانش ۱۳۹۴، ۵). در این پژوهش، پایایی آن با آلفای کرونباخ (۰/۹۲) محاسبه شد که از مطلوبیت ابزار حکایت داشت (ر.ک. قربانی ۱۳۹۶).

### سه) پرسش‌نامهٔ مسئولیت‌پذیری

برای سنجش مسئولیت‌پذیری، از خرده‌مقیاس سنجش مسئولیت‌پذیری گرفته شده از پرسش‌نامهٔ روان‌شناختی کالیفرنیا استفاده شد. تعداد ۴۲ پرسش مربوط به مقیاس مسئولیت‌پذیری از میان ۴۶۲ پرسش‌های پرسش‌نامهٔ اصل استخراج و از آن استفاده شد. پرسش‌نامهٔ یادشده برای سنجش ۱۵ ویژگی شخصیتی انتشار یافت و سپس، در سال ۱۹۵۷ مقیاس‌های آن به ۱۸ و بار دیگر در سال ۱۹۸۷ به وسیلهٔ وی بازبینی شد و تعداد پرسش‌های آن به ۱۶۲ و تعداد خرده‌مقیاس‌های آن به ۲۰ خرده‌مقیاس افزایش یافت. پاسخ‌های این پرسش‌نامه به صورت ۰ و ۱ نمره‌گذاری می‌شود؛ به این معنی که آزمودنی در صورت موافق بودن با هر عبارت، در مقابل آن علامت تیک و در صورت مخالفت با هر عبارت آن، علامت ضربدر قرار می‌دهد. در صورت موافقت با عبارات ۲، ۴، ۹، ۱۰، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹ آزمودنی برای هر عبارت نمرهٔ ۱ و در صورت مخالفت نمرهٔ ۰ دریافت می‌کند. برای پرسش‌های دیگر برعکس است؛ یعنی آزمودنی در صورت مخالفت با آنها نمرهٔ ۱ و در صورت موافقت نمرهٔ ۰ دریافت می‌کند.

ضرایب پایایی مقیاس بخش مسئولیت پذیری از طریق روش تنصیف و آلفای کرونباخ در پژوهش عسکری، عنایتی و روشنی (۱۳۹۰) به ترتیب برابر ۷۰/۰ و ۸۷/۰ و در پژوهش حمیدی و قیطاسی (۱۳۸۹) برابر با ۵۰/۰ و ۵۵/۰ بود.

در بررسی دیگری، پایایی این آزمون در ایران از طریق روش بازآزمایی ۸۷۰ بوده است (ر.ک. سعادت‌ی شامیر ۱۳۸۶). مقیاس مسئولیت پذیری ۴۲ پرسشی به منظور سنجش ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌شناسی، احساس تعهد، سخت‌کوشی، جدیت، قابلیت اعتماد، رفتارهای مبتنی بر نظم و مقررات، منطق و احساس مسئولیت استفاده شد. پایایی مقیاس در پژوهش موسوی (۱۳۷۷) ۰/۷۰ در پژوهش رضایی (۱۳۷۷) ۰/۶۵ به دست آمده است. موسوی (۱۳۷۷) همچنین اعتبار این مقیاس را با استفاده از روش ملاک همزمان معادل  $r=0/61$  محاسبه کرده که در سطح  $p < 0/001$  معنی دار است (ر.ک. سعادت‌ی شامیر ۱۳۸۶). در پژوهش پیش رو اعتبار آن  $r=0/71$  محاسبه شد.

## ۸) داده‌های پژوهش

داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف، و همبستگی و رگرسیون تجزیه و تحلیل شدند که خلاصه نتایج در جدول‌های ۱-۹ ارائه شده است.

جدول ۱) آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیرها	سبک زندگی	تعهدناشویی
شاخص		مسئولیت‌پذیری
Z	۰/۷۷۲	۰/۴۵۶ ۰/۵۱۸
P	۰/۵۹۱	۰/۹۰
سطح معناداری	۰/۰۵	۰/۰۵ ۰/۰۵

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد و باتوجه به اینکه مقدار F در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نبود، بنابراین، با مفروض گرفتن نرمال بودن، برای برقراری شیب رگرسیون استفاده شد.

جدول ۲) آماره مربوط به متغیر سبک زندگی اسلامی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل
اجتماعی	۵۵/۴۲	۹/۶۷	۴۴
باورها	۴۸/۶۴	۵/۱۲	۲۹
عبادی	۲۳/۶۷	۳/۲۱	۱۱
اخلاق	۸۵/۷۰	۸/۸۹	۶۰
مالی	۷۶/۵۵	۸/۱۵	۵۹
خانواده	۷۲/۳۷	۸/۲۹	۴۷
سلامت	۲۹/۴۵	۵/۰۴	۱۸
تفکر و علم	۲۳/۱۸	۳/۹۰	۱۸
امنیتی	۲۲/۰۹	۳/۷۴	۱۰
زمان شناسی	۲۱/۶۵	۲/۹۴	۱۴

باتوجه به نتایج جدول بالا بیشترین میانگین مربوط به خرده‌مقیاس مؤلفه اخلاق با ۸۵,۷۰ و انحراف استاندارد ۸,۸۹ و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه زمان شناسی با ۲۱,۶۵ و انحراف استاندارد ۲,۹۴ است.

جدول ۳) ضریب همبستگی متغیر سبک زندگی اسلامی با تعهد زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی	تعداد (N)	سطح معناداری (P)
تعهد زناشویی	سبک زندگی اسلامی	۰/۴۵-	۱۲۰	۰۰/۰

طبق جدول شماره ۳ بین سبک زندگی اسلامی و تعهد زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به این معنی که هرچه سبک زندگی اس می‌تر باشد تعهد زناشویی نیز بیشتر است.

جدول ۴) ضرایب همبستگی ده خرده مقیاس سبک زندگی اسلامی با تعهد زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد (N)	سطح معناداری (P)
تعهد زناشویی	اجتماعی	۰/۲۷	۱۲۰	۰/۰۰۱
	باورها	۰/۳۲	۱۲۰	۰/۰۰۱
	عبادی	۰/۴۲	۱۲۰	۰/۰۰۱
	اخلاق	۰/۴۱	۱۲۰	۰/۰۰۱
	مالی	۰/۳۸	۱۲۰	۰/۰۰۱
	خانواده	۰/۳۵	۱۲۰	۰/۰۰۱
	سلامت	۰/۲۷	۱۲۰	۰/۰۰۵
	تفکر و علم	۰/۰۷	۱۲۰	۰/۰۰۱
	امنیتی	۰/۳۳	۱۲۰	۰/۰۰۱
	زمان شناسی	۰/۴۷	۱۲۰	۰/۰۰۱

در جدول شماره ۴ ضرایب همبستگی ده خرده مقیاس سبک زندگی اسلامی با تعهد زناشویی ارائه شده است. همان گونه که ملاحظه می شود، بین شاخص های اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاق، مالی، خانواده، امنیتی، زمان شناسی در سطح (۰/۰۰۱)، سلامت (۰/۰۰۵) با تعهد زناشویی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. به این معنی که هرچه ابعاد اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاق، مالی، خانواده، سلامت، امنیتی و زمان شناسی سبک زندگی اسلامی فرد بالاتر باشد، میزان تعهد زناشویی نیز بیشتر است.

جدول ۵) آزمون رگرسیون متغیرهای پیش بین (سبک زندگی اسلامی) و متغیرهای ملاک تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری

مدل	R چندگانه	R <sup>۲</sup>	F	سطح معناداری (P)
متغیرها	٪ ۳۰	٪ ۹۰	۵/۱۵	۰/۰۰۱

جدول شماره ۵ بیانگر آن است که متغیرهای سبک زندگی اس می می تواند شاخص خوبی برای پیش بینی تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری به شمار آیند ( $R=/.۳۰$ ) ( $P<۰/۰۰۱$ ). شاخص R چنگانه، «ضریب تعیین چنگانه اصلاح شده» نشان می دهد که مؤلفه های سبک زندگی اسلامی ۳۰ درصد توانایی پیش بینی تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری را دارند، و ۷۰ درصد باقی مانده مربوط به دیگر عوامل می باشد. با توجه به معنادار بودن کل مدل، به منظور بررسی اینکه کدام متغیر یا متغیرها تأثیر معنادار در مدل دارند از آزمون تی استفاده شد.

جدول ۶) تحلیل رگرسیون چنگانه پیش بینی تعهد زناشویی از طریق مؤلفه های سبک زندگی

متغیرهای منتخب	B	$\beta$	T	sig
مؤلفه های سبک زندگی	۰/۴۲	۰/۲۶	۳/۴۷	۰/۰۰۱

باتوجه به نتایج جدول رگرسیون چنگانه و مقادیر محاسبه شده سطح معناداری می توان به پیش بینی تعهد زناشویی از طریق مؤلفه های سبک زندگی پرداخت.

جدول ۷) ضرایب همبستگی مسئولیت پذیری با ابعاد و نمره کل تعهد زناشویی

متغیرها	شاخص ها	تعهد شخصی	تعهد اخلاقی	تعهد ساختاری	نمره کل تعهد زناشویی
مسئولیت پذیری	ضریب همبستگی	۰/۵۲	۰/۶۱	۰/۵۷	۰/۴۹
	سطح معناداری	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۳
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰

نتایج این جدول نشان می دهد که رابطه معناداری میان مسئولیت پذیری با ابعاد و نمره کل تعهد زناشویی وجود دارد ( $P<۰/۰۳$ ). بدین معنی که میان مسئولیت پذیری و ابعاد و نمره کل تعهد زناشویی در زنان متأهل با تحصیلات دانشگاهی در دانشگاه های تهران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸) آزمون خی ۲ جهت ارتباط سبک زندگی و مسئولیت پذیری

تعداد نمونه	Chi-Square	درجه آزادی	Sig
۱۲۰	۹۲.۴۸	۱۱۹	۰/۰۰۰

جدول ۹) آزمون T تک نمونه ای سبک زندگی، مسئولیت پذیری و تعهد زناشویی

تعداد نمونه	آزمون T	درجه آزادی	Sig	میانگین	حداقل	حداکثر
۱۲۰	۷۰۸.۱۳۱	۱۱۹	۰/۰۰۰	۷۶.۳	۷۰.۳	۸۱.۳

آزمون کای اسکویر ۹۲ / ۴۸ و سطح معناداری بالا و آزمون T تک نمونه ای با ۷۰۸ / ۱۳۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ تأییدکننده رابطه بین سبک زندگی، مسئولیت پذیری و تعهد زناشویی است.

## بحث و نتیجه گیری

پژوهش پیش رو با عنوان رابطه سبک زندگی، تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری در زنان شاغل به تحصیل در دانشگاه های شهر تهران صورت پذیرفت. بر همین اساس، می توان گفت که ازدواج مهم ترین قرارداد زندگی هر فرد شمرده می شود و ازدواج موفق قادر است بسیاری از نیازهای روانی و جسمانی فرد را در محیطی امن برآورده سازد. هر ازدواج موفق حاوی سه رکن تعهد، جاذبه و تفاهم است. تعهد زناشویی مفهومی مهم در پایداری و سلامت نظام خانواده است که با متغیرهای گوناگون درون و برون فردی مرتبط است. در خانواده های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می کنند، بلکه در رشد و تعالی هریک از اعضای آن می کوشند. تعهد به زوجین اجازه می دهد تا به طور مؤثری در برابر خواسته های یکدیگر انعطاف داشته باشند، موضوعی که در ازدواج باعث افزایش رضایت از زندگی و رضایت زناشویی و کیفیت آن می شود. بر همین اساس، یکی از عوامل مهم در ماندگاری و حفظ ازدواج، احساس تعهد در زوجین است. تعهد قدرتمندترین و سازگارترین پیشگوی رضایت رابطه، به ویژه برای طولانی ترین روابط است (زینب<sup>۱</sup> ۲۰۱۵). چنانچه هارمون<sup>۲</sup> نیز معتقد است، تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل اند و برای حفظ و ادامه ازدواجشان انگیزه دارند. معنای تعهد این است که فرد همسرش را دوست می دارد، به او وفادار است و از همسر دیگری، به هر شکل و شمایل که

1. zeyneb & et al

2. Le & Agnew



باشد، اجتناب می‌کند (فضل‌الهی ۱۳۹۷). مک دونالد<sup>۱</sup> (۱۹۸۱) با ارائه مدلی از تعهد زناشویی، آن را به دو نوع، تعهد نسبت به ازدواج و تعهد نسبت به همسر تقسیم کرد. تعهد نسبت به ازدواج تعهد به رابطه زناشویی درون نهاد مقدس است که مبتنی بر اعتقادات و اصول اخلاقی است. تعهد نسبت به همسر تعهد به فرد خاص است که همان شریک رابطه زناشویی است و این نوع تعهد بر فداکاری و از خودگذشتگی شخصی مبتنی است. چنانچه یافته‌های جدول شماره ۲ این پژوهش نیز همین نظر را تأیید می‌کند و بیشترین میانگین نمرات نمونه مورد مطالعه مربوط به مؤلفه اخلاق بوده است. در بخش آزمون‌های آماری نیز با سطح معناداری ۰/۰۰۱ فرضیه پژوهش تأیید شد.

این پژوهش یافته‌های دیگری نیز دارد. جامعه ایران تحت تأثیر تحولات پرشتاب فناوری‌های نوین و جهانی شدن قرار گرفته است (خواججه‌نوری و همکاران ۱۳۹۳). همچنین آمارها و نتایج پژوهش‌های انجام‌گرفته در ایران و جهان، روند رو به افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی را در ایران نشان می‌دهد. در شرایط کنونی، خانواده ایرانی هم با چالش‌ها و تغییراتی بسیاری مانند تغییر نقش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، کاهش فرزندآوری، تغییر نگاه به همسر، مرکزیت تصمیم‌گیری خانواده در جامعه، کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی و کاهش اعتماد، که به مجموعه‌ای از نقش‌های معارض انجامیده است، روبه‌روست. همچنین، این وضعیت تعارضی حوزه مطالعات خانواده در ایران را به سوی طرح بحث فروپاشی خانواده، مضیقه ازدواج و طلاق کشانیده است. با این حال، در پژوهش پیش‌رو، یافته‌های جداول شماره ۶ و ۷ تأیید کرده است که در کنار چالش‌های موجود، زنان تحصیل‌کرده هنوز دغدغه خانواده، تعهد نسبت به سیستم خانواده و احساس مسئولیت دارند. این یافته‌ها برخلاف تعبیر جامعه‌شناسان است که معتقدند در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ‌کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی و حیات عاطفی ازدواج و خانواده در حال رخ دادن است. البته، با توجه به حجمه‌هایی چون ناپابندگی دینی، دیدگاه فمینیستی، اندیشه‌های فردگرایانه، تبلیغات رسانه‌ای، مسئولیت‌پذیری زوجین نسبت به هم دستخوش تغییراتی شده است. نتیجه این تغییرات کم شدن تعهد زناشویی در بعضی از زنان است که با کوچک‌ترین اختلاف بنیان خانواده را زیر سوال می‌برند و به زندگی زناشویی خاتمه می‌دهند.

با این همه، نتایج پژوهش پیش‌رو چنین مواردی را تأیید نکرده است؛ زیرا پابندگی به سبک زندگی اسلامی به زنان این انگیزه را می‌دهد که در سختی‌های زندگی زناشویی، وفادار و متعهد به همسر خویش باشند، مشکلات را نوعی امتحان الهی بدانند و در همه حال از وضعیت خویش در برابر خداوند شاکر باشند (گودمن ۲۰۰۶). آنان نسبت به همسر وفادار هستند و از سوءظن به همسرشان می‌پرهیزند. زنانی که آموزش عالی را گذرانده‌اند، حتی اگر به موقعیت‌های برتری

1. Mc donald

(تحصیلی، شغلی، اجتماعی) نسبت به همسر خویش برسند، دچار غرور و خودخواهی نمی شوند و خود را برتر از همسر نمی بینند. آنها همه کارها و رفتار خود را با سبک زندگی خویش هماهنگ می کنند و خدا را در همه شئون زندگی حاضر و ناظر می بینند. مصلحت خانواده را در نظر می گیرند و هر نوع بی مسئولیتی را عهد شکنی می دانند. بی مسئولیتی اغلب نوعی خودخواهی و توجه به امیال فردی را با خود دارد و فرد بیشتر از هر کس و هر چیزی منافع فردی را در نظر می گیرد.

در این باره، ماتینگلی، ویلسون، کلارک و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که افراد دیندار به رابطه خارج از رابطه زناشویی تمایلی ندارند و دینداری آنها باعث متعهد ماندن آنها به رابطه با همسرشان می شود. براون و اوربوچوماستیار (۲۰۰۸) در تحقیقی نشان دادند که زمانی که زوج ها از لحاظ باورهای مذهبی با هم یکسان باشند، ثبات زناشویی بیشتری وجود دارد. عبدی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که تعهد زناشویی، قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است. در تعهد زناشویی، عواملی گوناگونی دخیل اند که از آن میان، می توان به مسئولیت پذیری و خودکنترلی اشاره کرد. سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳) نیز نشان داده اند مسئولیت پذیری در پیشرفت فرد و جامعه و نیز هدایت و سازندگی حیات سعادت مندانه آدمی نقش مهمی را ایفا می کند. البته، نباید از نقش اندیشه های مدرن، نگرش های جنسیتی، تأثیر رسانه ها، باورهای مذهبی، فردیت سازی شدن خانواده ها و اعتماد خانوادگی، که همگی روی اندیشه فردگرایی زنان تحصیل کرده مؤثرند، غافل شد. به طوری که، امروزه، شاهد رشد زنانی با تحصیلات بالای دانشگاهی در جامعه هستیم که ویژگی هایی مانند سخت کوشی، منطقی، قابلیت اعتماد بالا، وظیفه شناسی، جدی بودن و رفتارهای مبتنی بر نظم و مقررات دارند. این زنان در حوزه اجتماع، بسیار موفق و عالی هستند و در حوزه خانواده و در ارتباط با همسر نیز کوتاهی نمی کنند. در جمع بندی نهایی، با توجه به یافته های این پژوهش می توان گفت که سبک زندگی تا حد زیادی تعیین کننده است و میزان تعهد زناشویی و مسئولیت پذیری زنان با تحصیلات دانشگاهی ارتباط بسیاری دارد. در جامعه کنونی، با زنان تحصیل کرده ای روبه روایم که در کنار ارتقای شخصیتی و فردی و پایگاه اجتماعی و در مواردی، با مسئولیت های مدیریتی، در تکالیف همسرانه نیز کوتاهی نمی کنند و همواره با اتکا به دستورهای الهی و پیروی از سبک زندگی اسلامی در ابعاد گوناگون، به حفظ حریم و استحکام خانواده می پردازند. این یافته ها برخلاف برخی تبلیغات منفی در جامعه است که با اندک لغزشی، زندگی خانوادگی را به شکل منفی ارزیابی کنند.

از محدودیت های عمده این پژوهش استفاده از یکی از زوجین و آن هم تنها زنان بود. محدودیت دیگر استفاده از زنان با تحصیلات دانشگاهی بود و به طور عام، از قشرهای گوناگون نمونه گیری نشد؛ بنابراین، در تعمیم نتایج به سطوح دیگر جامعه باید بیشتر احتیاط کرد.

## منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۹. پایگاه خانوادگی، نسخه‌های دینداری و کیفیت ارزش‌های مذهبی در ایران. مجله پژوهش جوانان. فرهنگ و جامعه. بهار و تابستان ۱۳۸۹: ۱-۲۴.
۲. خالقی دهنوی، ف، و ف یزدخواستی. ۱۳۹۳. پیش‌بینی‌کنندگی سبک زندگی براساس نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی در افراد دارای تجربه طلاق و افراد بدون تجربه طلاق. روان‌شناسی و دین. (۲۷).
۳. خواجه‌نوری، ب، و س اس ریاحی. ۱۳۹۳. رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، جامعه‌پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (۴۵).
۴. روحانی، ع، و د معنوی‌پور. ۱۳۸۷. رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مبارکه. نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۳ (۳۵ و ۳۶): ۸۹-۲۰۶.
۵. سبحانی‌نژاد، م، و ح نجفی. ۱۳۹۳. تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی، دانشگاه شاهد. تهران: کارشناس ارشد.
۶. سعادت‌شامیر، ابوطالب. ۱۳۸۶. بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. پژوهشنامه تربیتی بهار. (۱۰).
۷. سعادت‌شامیر، ابوطالب. ۱۳۸۳. بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت با سلامت عمومی و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۸. شارف، ریچارد اس. ۱۳۸۴. نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروزبخت. انتشارات فرهنگی رسا.
۹. شعاع‌کاظمی مهرانگیز، و طاهره سادات رضایی. ۱۳۹۷. بهداشت روانی خانواده. انتشارات آوای نور. تهران: چاپ چهارم.
۱۰. صاحبی، ع، و م زالی‌زاده. ۱۳۹۴. تئوری انتخاب، رویکردی در جهت مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی. رویش روان‌شناسی. تابستان. (۱۱)۴.
۱۱. عبدی، اکبر، زرحیمی، ن کریمیان، و ب بهمنی. ۱۳۹۶. رابطه مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی. مجله علوم پزشکی مازندران. ۱۶ (۵۴).
۱۲. عسکری، پ، م عنایتی، و خ روشن. ۱۳۹۰. رابطه مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری و هیجان‌خواهی با تیپ D. اندیشه و رفتار. (۲۰)۵.
۱۳. فاضل‌قانع، حمید. ۱۳۹۱. سبک زندگی دینی و نقش آن در کار و فعالیت جوانان. فصلنامه جوان و رسانه. (۶): ۳۶-۶۳.
۱۴. فضل‌اللهی، زهرا. ۱۳۹۷. رابطه بین خودکنترلی و تعهد زناشویی در زنان استفاده‌کننده از مشاوره پیش از ازدواج و عادی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان. دانشگاه الزهراء (ع).  
 ۱۵. قربانی، نادیه. ۱۳۹۶. رابطه بین سبک زندگی و سلامت روان در اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهراء (ع).  
 ۱۶. کاویانی، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.  
 ۱۷. مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۷. دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). چاپ دوم.

18. Brown, E. , Orbuch, T. L. , & Bauermeister, J. A. 2008. Religiosity and marital stability among black American and whith American couples\*. *Family Relations*,57(2), 186-197.
19. Goodman, M. A. , & Dolahite, D. C. 2006. How religious Couples perceive the influence of God in their marriage. *Rev Relig Res*, 48(2): 141 – 155.
20. Harmon D,KH. 2005. Black, men and marriage:The impact of spirituaaity, religiosity and marital commitment on marital satisfaction. [dissertation]. University of Alabama.
21. Mergler A. (b),Spencer F. M. and Patton W. A. 2007. 'Relationships Between personal responsibility, Emational Inteligence and self steem in Adolescents and young Adults', *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, Vol. 24,NO. 1,P:5-18.
22. Lambert, N. M. , & Dollahite, D. C. 2008. The Threefold Cord Marital Commitment in Rrligious Couples. *Journal of Family Issues*,29(5), 592-614.
23. -Mattingly BA, Wilson K, Clark EM, Bequette AW, & Weidler DJ. 2010, Foggy Faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample, *J Fam Issues*, 31(11),1465–80.
24. -Mosko, J. 2009. commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of philosophy: Purdue University.
25. -March,A. F. 2011. Theocrats Living under Secular Law: AnExternal Engagement with Islamic L Shoaaz kazemi ,mehrangiz. khosravi,Zahra. mirzaei,zahra 2018. The effect of education of Sternberg's components of love on intimacy of couples. *iranian journal of sociology*. v1. n9. p2-4.
26. egal Theory. *Jounal of Political Philosophy*,19(1),28-51.
27. Shri k. Mishra. 2016. Spirituality and Religiosity and its role in health and diseases,*journal of religion and health*,pp 1-20.
28. Theda rose. 2016. Organized Religious Involvement and Mental Health Among Caribbean Black Adolescents, *Child and Adolescent Social Work Journal* , pp 1–11, doi:10. 1007/s10560-016-0452-6.
29. Zeyneb Gungormus,Derya Tanriverdi,Tugba Gundogan 2015. The effect of religious belief on the mental health status and suicide probability of women exposed to violence,*journal of religion and health*,volume 54, issue 5, 1573-1583.